

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۴۸/۰۲/۲۳

امام خصوصیات ممتاز فردی خیلی داشت؛ اما توفیقات او بالاتر از آن بود که به خصوصیات فردی یک انسان- هرچه هم بالا- متکی باشد. شجاعت و آگاهی و عقل و تدبیر و دوراندیشی امام بسیار ممتاز بود- در این‌ها هیچ شک‌ی نیست- اما توفیقانی که آن بزرگوار به دست آورد، خیلی بالاتر از این است که به شجاعت و عقل و تدبیر و آینده‌نگری زیاد یک انسان متکی باشد. آن توفیقها از جای دیگر نشأت می‌گرفت، که در درجه‌ی اول از اخلاص او ناشی می‌شد؛ «مخلصین له الدین». مخلص خدا بود و کار را فقط برای او- و لا غیر- انجام می‌داد. لذا اگر همه‌ی دنیا هم در مقابل او فرار می‌گرفتند و از او چیزی می‌خواستند که مورد رضای خدا نبود، انجام نمی‌داد. در درجه‌ی دوم، توکل و حسن ظن به خدا داشت. هیچ کاری در نظر او خارج از قدرت الهی نبود. کارهای بزرگ، حرکت‌های عظیم، کندن کوه‌های راسخ و جبال راسیات برای او میسر بود؛ چون عقیده داشت که به خدا متکی است و خدا او را کمک می‌کند؛ و چون به خدا توکل داشت، لذا با حسن ظن می‌نگریست

بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری / ۱۳۴۸/۰۵/۱۲

مکرر اتفاق افتاد که سر قضایای مختلف، با برادران مسئول می‌نشستیم و فکرهایمان را تبادل می‌کردیم و مشکل را در مجموعه‌ی می‌گذاشتیم و خدمت امام (ره) می‌بردم و او بود که با نظر صایب و اراده‌ی قوی و ایمان و توکل بی‌نظیر خود، مشکل را حل می‌کرد. خدا شاهد است که در مدت عمر خود، کسی را در این حد از توکل و حسن ظن به خدا ندیده و نشنیده‌ام. او، مشکل را حل و گره را باز می‌کرد. امروز، این پدر خانواده و آن متکای محکم و کسی که خاطرمان آسوده بود که در مشکلات، به او مراجعه خواهیم کرد، در میان ما نیست.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران / ۱۳۴۸/۰۷/۲۸

روح سوظن و بدبینی نسبت به افراد را در نظام اسلامی از بین برد. سوظن، متعلق به نظام غیر اسلامی است. وقتی شر و ظلم، غالب و حاکم است؛ وقتی در جامعه، غیر خدا زمام امور را به دست دارد؛ روایت داریم که حسن ظن، ساده‌لوحی است و به هر پدیده‌ای، باید با چشم تردید و سوظن نگاه کرد. اما آن‌وقتی که غلبه با حق است، حکومت متعلق به خدا و بندگان اوست و راه، راه صراط مستقیم دین است، در اینجا باید سوظن‌ها را کنار گذاشت و حسن ظن داشت؛ مگر آنکه برای انسان چیزی ثابت بشود. این، آن تکلیف اسلامی است.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۸/۰۴/۱۰

آنچه مهم است، این است که ما امید و توکل و حسن ظن خودمان را به خدا، به این دین، به این معارف و به این احکام از دست ندهیم. اصل این است. آنچه که مایه‌ی پیشرفت است، رسوخ ایمان و امید و اطمینان است. دشمن می‌خواهد این را متزلزل کند. مراقب باشید؛ بخصوص شما خواص، شما مسئولان، شما روشن‌فکران، شما گویندگان، شما علمای محترم و دانشگاهیان محترم. ببینید که دشمن می‌خواهد ایمان و امید و اطمینان را متزلزل کند. شما وظیفه‌تان این است که ایمان و امید و اطمینان را مستحکم کنید؛ بقیه‌ی کار را خود این دین با آن قدرت و این ایمان اسلامی با آن توانایی، انجام می‌دهد. ما دنباله‌ی جریان دین حرکت می‌کنیم؛ نه اینکه ما بخواهیم این جریان را راه ببریم؛ مگر ما چه کسی هستیم؟! دشمن خیال می‌کند که این جریان به اشخاص وابسته است. بنده و امثال بنده چه کسی هستیم که بخواهیم این جریان را راه ببریم؟! این جریان است که ما را هم با خود می‌برد. به فضل الهی، این جریان حادث شده و پیش آمده است؛ متوقف شدنی هم نیست؛ دشمن هم بی‌خود خود را معطل می‌کند. فضل پروردگار از اول انقلاب شامل حال ما بوده است و ما به‌وضوح دست قدرت الهی را دیده‌ایم؛ به‌وضوح تفضلات حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفدا را دیده‌ایم و حس کرده‌ایم و در قضایای گوناگون، همان چیزی که به ما وعده داده شده است «کرر عرج شطنه فآزره فاستغلظ فاستوی علی سوقه»؛ و مصداق آن، همین حرکت شما مردم مسلمان است تحقق پیدا کرده است.

بیانات در دیدار کارگزاران حج / ۱۳۸۱/۱۰/۲۵

روزهای ظهور اسلام، چه کسی خیال می‌کرد جمع معدود مظلوم کم‌قوتی در یک گوشه‌ی مکه، به برکت این آیات الهی بتوانند بزرگترین تمدن زمان خود را به وجود آورند و مدنیت بشری را ارتقا و رشد دهند و این قلمرو عظیم و این رمعه‌ی وسیع را به وجود آورند و این‌طور در عمود زمان، با عزت و افتخار باقی بمانند؟ عده‌ای خیال می‌کردند به‌زودی همه چیز از بین خواهد رفت: «الطائین بالله ظن السوء»؛ خیال می‌کردند پیغمبر در هریک از حوادثی که برایش پیش آمد، موفقیتی به‌دست نخواهد آورد؛ «بل ظننتم ان لن ینقلب الرسول و المومنون الی اهلیم ایداً». «و ظننتم ظن السوء و کنتم قوما بورا»؛ آن‌هایی که به خدای متعال سوظن دارند؛ آن‌هایی که اهمیت و ارزش گوهر گرانبهای دین را نمی‌دانند، همان «قوما بورا» هستند؛ ما مسلمانان نباید به آنجا برسیم. قرآن می‌تواند انسان را هدایت کند؛ از انسان «لفی خسر» برساند به انسانی که «انک کادح الی ربک کدحا فملاقه»؛ به سوی خدا حرکت و سیورورت پیدا کند و با او ملاقات نماید. این حج، مظهر این قرآن است. ایمان خالصانه‌ی مومنین طول تاریخ اسلام، از این قرآن ناشی شده است؛ این را باید قدر دانست. مثل همه‌ی ذخایر دیگر ما، این ذخیره هم مورد تهاجم است. این‌هایی که می‌بینید در مراسم حج دنبال اختلاف‌افکنی، فتنه‌انگیزی و ترویج افکار موهوم و خرافی و متحجر خود هستند، همان سرانگشت‌های دانسته یا نادانسته‌ای هستند که این ذخیره را نابود می‌کنند و از بین می‌برند. کسانی که نمی‌گذارند شوکت و شکوه و عزت و عظمت این وحدت و شکوه عظیم امت اسلامی، آن هم در راه خدا- شود و بازتاب پیدا کند، جزو کسانی هستند که این ذخیره را نابود و ضایع می‌کنند. کسانی که نمی‌گذارند وحدت و شکوه عظیم امت اسلامی، آن هم در راه خدا- نه عظمت به عنوان تفاخر، نه عظمت به عنوان استعمار و تحقیر دیگر ملت‌ها، نه عظمت به عنوان جنگ‌افروزی علیه ضعفای عالم؛ بلکه عظمت در جهت ارزش‌های الهی و در راه توحید- به دنیای اسلام منعکس شود، به بشریت ظلم می‌کنند. امروز دنیای اسلام بر اثر نادیده گرفتن این ذخیره‌ی عظیم الهی ضربه می‌خورد.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس / ۱۳۸۲/۰۲/۰۷

«سکینه» ناشی از اعتماد و حسن ظن به خداست. وقتی شما هدف درستی را انتخاب می‌کنید و در راه آن هدف به تلاش می‌پردازید، خدای متعال در اینجا وعده‌ی نصرت داده است؛ بروبرگرد هم ندارد. یک‌وقت هست شما هدف و آرمان را غلط انتخاب کرده‌اید؛ یک‌وقت هست هدف و آرمان را درست انتخاب کرده‌اید؛ اما تحرکی ندارید و تلاش و مجاهدتی نمی‌کنید. اینجا انتظار کمک الهی بی‌مورد است. مسلمانان اهداف و آرمان‌هایشان اهداف و آرمان‌های خوبی بود؛ اما قرن‌ها به‌خاطر اینکه تحرکی در آن‌ها وجود نداشت، توسری خوردند. الآن هم هرچایی که می‌بینید مسلمانان دچار تحقیر و تذلیل می‌شوند، به‌خاطر همین عدم تحرک و عدم مجاهدت است، و الا آن جایی که هدف درست باشد، مجاهدت هم باشد، نصرت الهی هم قطعاً هست. البته نصرت الهی به معنای این نیست که آزمایش‌های دشوار و سخت نیست؛ چرا: «و لنبلونکم بشی من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و النفس و الثمرات»؛ این‌ها هست و همه‌ی این‌ها در سر راه مبارزه وجود دارد؛ اما «و بشر الصابین». صبر یعنی ایستادگی؛ تداوم راه؛ این مورد بشارت الهی است؛ یعنی پیروزی نصیب خواهد شد.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۲/۰۸/۲۰

اگر می‌خواهیم دنیا آباد شود، باید خودمان را کنترل کنیم. من و شما که زمامدار و مدیر هستیم و اداره‌ی امور مالی و صنعتی و کشاورزی کشور دست ماست- یعنی گلوگاه‌های فعال کشور دست من و شماست- باید خود را کنترل کنیم. فقط شخص خود ما نیستیم؛ ما یعنی مجموعه. شما، یعنی شما و معاونان و مدیران و مسئولان اثرگذاران. البته ممکن است کسی در گوشه‌ی بی و در سطوح خیلی پایین خطایی بکند که قابل کنترل و پیشگیری و پیش‌بینی نباشد؛ آن بحث دیگری

است؛ اما مجموعه‌یی که شما مدیر و رئیس و وزیر آن هستید، باید این خصوصیات را داشته باشد. «لاشرف انفس الولاة علی الجمع»؛ آن‌ها می‌خواهند جمع کنند، «و سو ظنهم بالبقا و قله انتفاعهم بالعیر». «سو ظنهم بالبقا»، یعنی برای باقی‌مانده‌ی عمرشان دچار سوظن‌اند، که مثلا بعد چه می‌شود. نباید سوظن داشت؛ باید به خدای متعال و به خود حسن ظن داشت. همچنین فرمود: «قله انتفاعهم بالعیر»؛ از عبرت‌ها کم بهره‌برداری می‌کنند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر / ۱۳۸۵/۰۸/۰۳

اگر امت اسلامی به هویت اسلامی خود توجه می‌داشت، معضلی به نام اسرائیل در منطقه به وجود نمی‌آمد. امت اسلامی را از عرصه‌ی تحولات منطقه- یعنی خانه‌ی خودش- کنار گذاشتند و در غیابش، بر علیه او تصمیم‌گیری کردند. امت اسلامی در طول سال‌های متمادی به وظایفی که بر عهده‌ی او بود، عمل نکرده است؛ در این هیچ تردیدی نباید کرد. ما باید تقصیر خودمان را بفهمیم و بدانیم. اگر ما به تنبلی و راحت‌طلبی و ذلت تن نمی‌دادیم، دشمن نمی‌توانست بر ما مسلط شود. ما عقب ماندیم و در این عقب‌ماندگی، مقصریم. لیکن امروز ورق برگشته است. امروز دنیای اسلام به هویت خود واقف شده است. این امت از همه‌ی عناصر عزت- که در متن دین شریف اسلام و قرآن کریم وجود دارد- باید استفاده کند. اول توجه به خدا و تمسک به قانون الهی است؛ توکل به خداست؛ اعتماد به خداست. خداوند متعال آن کسانی را که «الظانین بالله ظن السوء»؛ سوظن به خدا دارند، ملامت می‌کند؛ می‌فرماید: «علیهم دائرة السوء و غضب الله علیهم»؛ آن کسانی که نصرت الهی را در صورت حضور در میدان عمل انکار می‌کنند، خودشان را باید ملامت کنند. اگر ما در میدان عمل وارد شویم، خدای متعال به ما کمک خواهد کرد؛ هم قول قطعی قرآن و وعده‌ی حتمی الهی است، هم مشاهدات دوران زندگی خود ماست. تاریخ اسلام هم برای مسلمین سرشار از تجربه است، که هرچا همت گماشتند، وارد شدند و متمسک به قدرت الهی شدند، خدای متعال آن‌ها را کمک کرد. کمک و نصرت الهی حتمی است؛ منتها شرط این نصرت، حضور در میدان عمل است؛ «و لینصرن الله من ینصره»؛ آن کسی که خدا را نصرت کند، خدا او را نصرت خواهد کرد. با نشستن، با تنبلی کردن، با توهنات دلخوش کردن، با مصالح امت اسلامی بازی کردن و هوای نفس را بر مصالح امت اسلامی ترجیح دادن، نصرت الهی خود را نشان نخواهد داد.

بیانات در دیدار روسای قضائی کشورهای اسلامی / ۱۳۸۶/۰۹/۱۲

ما باید اعتمادبه‌نفس پیدا کنیم و توکل به خدا کنیم و بدانیم که اگر برطبق عقیده‌ی خودمان، با فکر، با تدبیر، با نقشه، با اتحاد حرکت بکنیم، خدای متعال به ما پیروزی خواهد داد. ما باید به خدای متعال حسن ظن داشته باشیم. خدای متعال مذمت می‌کند کسانی را که به او سوظن دارند؛ «و یعذب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الظانین بالله ظن السوء و غضب الله علیهم و لعنهم و اعد لهم جهنم و سات مصیرا». ما باید به خدای متعال حسن ظن داشته باشیم، سوظن به خدا نداشته باشیم. ما کجا، کی عمل کردیم و اقدام کردیم و خدا به ما کمک نکرده؟ آنجایی که ما دچار مشکل شدیم، دچار ضعف و شکست شدیم، آنجایی است که عمل نکردیم، حق عمل را ادا نکردیم. هرچا حق عمل را ادا کردیم، خدای متعال به ما کمک کرده، و این وعده‌ی الهی است؛ «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم». و آیات فراوان دیگر قرآن.

پیام به اسماعیل هنیه نخست وزیر دولت قانونی حماس / ۱۳۸۷/۱۰/۲۷

ارتشی که قدرت فداکاری و شهادت‌طلبی شما، آن را بیست روز است پای در گل در پشت دروازه‌های غزه به خفت افکنده همان است که طرف شش روز بخشهای عظیمی از سه کشور عربی را زیر سیطره‌ی خود در آورد. به ایمان و توکل خود، به حسن ظن خود به وعده‌ی الهی، به صبر و شجاعت و فداکاری خود بیاید که امروز همه‌ی مسلمانان به آن می‌بالند. جهاد شما تا امروز آمریکا و رژیم صهیونیست و حامیان آنان و سازمان ملل و منافقان امت اسلامی را رسوا کرده است. امروز نه فقط ملت‌های مسلمان، که بسیاری از ملت‌های اروپا و آمریکا حقانیت شما را از بن دندان پذیرفته‌اند. شما همین امروز هم پیروزید و با ادامه‌ی این ایستادگی شرافتمندانه دشمن زبون و ضد بشر را بازهم بیشتر به ذلت و شکست خواهید کشاند. ان شا الله.

بدانید که "ما ودع ربک و ما قلی" و بدانید که "و لسوف یعطیک ربک فترضی" ان شا الله باین‌حال حوادث خونین و فاجعه‌بار غیر نظامیان فلسطینی بخصوص کودکان مظلوم و معصوم، دل‌های ما را غرق خون کرده است. حوادث ناشی از جنایتهای غاصبان فلسطین که هر روز چندین بار از همه‌ی کانال‌های تلویزیونی ما پخش می‌شود ملت ما را ماتمزه و عزادار ساخته است. اعظم الله لکم الجزا و عجل لکم النصر، بدانید که وعده‌ی خدا راست است که فرمود: "و لینصرن الله من ینصره ان الله لقیو عزیز" و فرمود: "و من جاهد فانما یجاهد لنفسه... خیانتهاران عرب هم بدانند که سرنوشت آنان بهتر از یهودیان جنگ احزاب نخواهد بود که خداوند فرمود: "و انزل الذین ظاهروهم من اهل الکتاب و من صیاصیهم... ملتها با مردم و مجاهدان غزه‌اند. هر دولتی که برخلاف این عمل کند فاصله‌ی خود و ملتش را عمیق‌تر می‌کند و سرنوشت چنین دولتهایی معلوم است. آن‌ها نیز اگر به فکر زندگی و آبروی خودند باید سخن امیر المومنین علیه‌السلام را به یاد آورند که فرمود: "الموت فی حیاتکم مقهورین و الحیاه فی موتکم قاهرین".

بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی / ۱۳۸۷/۱۱/۲۸

سی و یک سال الان از بیست و نه بهمن سال ۵۶ که این اتفاق در تبریز افتاد، می‌گذرد. سی و یک سال زمان زیادی است. خیلی از این جمع حاضر آن دوره را یا در دنیا نبودند- جوانها- یا اگر بودند، کودک بودند و درک نکردند. درس چیست؟ هر حادثه‌ای که از یک نیت درست، از یک فکر درست سرچشمه می‌گیرد- حوادث بزرگ با خود درس‌هایی دارد- درسی دارد؛ آن درسها را بایستی آموخت. درس حادثه‌ی بیست و نه بهمن، تاثیر هوشیاری، بیداری، بهوش بودن، یک؛ و جرئت اقدام، دو- ملاحظه نکردن از سختی‌ها و خطرها- و امید به آینده، سه؛ این سه تا خصوصیت است. اول درک کند. خیلی‌ها اهمیت موقعیت را نفهمیدند. مردم تبریز موقعیت و حساسیت را درک کردند و اقدام کردند. خود این هوشمندی و درک موقعیت و حساسیت، یک امر مهمی است. بعد اینکه موقعیت حساس فهمیده شد، همت و جرئت برای اقدام وجود داشته باشد. این هم نکته‌ی دوم. و بعد هم این اقدام را از روی امید، با اتکا به خدا، با توکل به خدا، با حسن ظن به خدا، انجام بدهند. بخشی از درسهای بیست و نه بهمن این‌هاست. این مردم اگر مومن بالله نبودند، اگر ایمان در درون دل این مردم موج نمی‌زد، آن آگاهی اگر هم به وجود می‌آمد، به کار نمی‌آمد؛ به درد نمی‌خورد و به اقدام منتهی نمی‌شد. ایمان مردم، هوشیاری مردم، اقدام بموقع، همه‌ی این‌ها نقش داشت. این شد درس برای ما؛ امروز هم همین‌جور است؛ آینده هم همین‌جور است. حوادث را هوشیارانه باید دنبال کرد.

خطبه‌های نماز جمعه نهران / ۱۳۸۸/۰۲/۲۹

در ماجرای حرکت پیامبر اکرم از مدینه به سمت مکه با چند صد نفر از یاران و اصحاب خود به قصد عمره- در سال ششم از هجرت- حادثه‌ی پیش آمد که از چند جهت موجب طوفانی شدن دل‌های مومنان بود. از یک طرف، دشمنان با نیروی مجهز آن‌ها را محاصره کرده بودند؛ این‌ها از مدینه دور بودند- حدیبیه نزدیک مکه است- نیروهای دشمن متکی به عقبه‌ی مکه بودند، نیرو داشتند، سلاح داشتند. جمعیت زیاد داشتند؛ این یک طرف قضیه بود که موجب اضطراب می‌شد، موجب تشویش برای بسیاری از مومنین می‌شد؛ از طرف دیگر، پیغمبر اکرم برطبق آن سیاست عظیم مکتوم الهی- که بعد برای همه آشکار شد- در مقابل کفاری که آمده بودند در مقابل او، در مواردی کوتاه آمد؛ گفتند اسم «رحمان و رحیم» را، «بسم الله»، را از این نوشته حذف کنید، پیغمبر قبول کرد؛ و چند مسئله از این قبیل پیش آمد. این هم دل‌هایی را مشوش کرد، مضطرب کرد، به تردید انداخت.

در یک چنین مواردی که این اضطراب‌های گوناگون- چه به لحاظ مسائل شخصی، چه به لحاظ مسائل اجتماعی- برای مومنین به اسلام پیش می‌آید، اینجا باید منتظر سکینه‌ی الهی بود؛ آن وقت می‌فرماید: «هو الذی انزل السکینه فی قلوب المومنین»؛ خدا دل‌ها را قرص کرد، آرامش به آن‌ها داد، آن‌ها را از تلاطم‌های روحی

برحذر و برکنار داشت و مسلمانان از لحاظ روانی، به خاطر این آرامشی که خدا به آنها داد، آسوده شدند. آنوقت نتیجه‌ی این سبک‌بندی الهی و آرامش روحی این می‌شود که: «لیرزادوا ایمانا مع ایمانهم»؛ آنوقت بذر ایمان در دل آنها عمیق‌تر می‌رود، نور ایمان دل آنها را بیشتر روشن می‌کند؛ ایمان آنها عمیق‌تر می‌شود. این است که برای یک مجموعه‌ی مسلمان، مجموعه‌ی مومن مهم است که به خدا حسن ظن داشته باشد، بداند که خدا کمک‌کار اوست، بداند که خدا پشت سر رهپویان راه حق است. وقتی دلها قرص شد، گامها هم محکم می‌شود؛ وقتی گامها استوار شد، راه به‌آسانی طی می‌شود، به هدف نزدیک می‌شود.

بیانات در دانشکده علوم دریایی نوشهر / ۱۳۸۸/۰۷/۱۴

البته اقتدار یک ملت فقط به نیروهای مسلح نیست. اقتدار ملت، یک حقیقت چندجانبه است؛ نیروهای مسلح، آن خط مقدم تحرک و نشانه‌ی اقتدار ملتند. اما یک ملت از لحاظ دانش باید پیشرفته باشد، از لحاظ اخلاق، از لحاظ ایمان، از لحاظ عزم و اراده، تا بتواند اقتدار خود را حفظ کند. ما تکیه می‌کنیم بر روی عناصر معنوی اقتدار. اصلی‌ترین عنصر اقتدار معنوی، ایمان است؛ ایمان به خدا، توکل به خدا، حسن ظن به خدا. این است که دل را آماده می‌کند برای ورود در میدانهای دشوار؛ این است که گامها را استوار می‌کند برای پیمودن جاده‌های سخت؛ این است که مشکلات را در چشمها کوچک می‌کند، هدفهای بزرگ را در اختیار انسان می‌گذارد و در مد نظر او و نگاه او قرار می‌دهد؛ ایمان به خدا. بدون این ایمان، انسان یک قالب مادی است. دلها از عشق به خدا و عشق به معنویت و فضیلت، در آنچنان مجموعه‌هایی که ایمان به خدا ندارند، نمی‌تپد؛ اقتدار هم به معنای حقیقی کلمه به دست نمی‌آید.

بیانات در دیدار عمومی مردم جالوس و نوشهر / ۱۳۸۸/۰۷/۱۵

به خدای متعال باید توکل کرد، به خدا باید اعتماد کرد، به خدای متعال باید حسن ظن داشت. خدای متعال وعده کرده است: «و لینصرن الله من ینصره»؛ (۱) آن کسانی که در راه نصرت دین خدا حرکت میکنند، وقتی حرکت کنند، خدا آنها را نصرت می‌دهد. بله، طرفدار دین خدا باشیم، کاری هم انجام ندهیم، گوشه‌ی خانه بخواهیم، نصرتی وجود ندارد؛ اما وقتی که حرکت میکنیم برای نصرت دین خدا، ممکن است هزینه هم داشته باشد، اما نصرت قطعی است؛

بیانات در دیدار عمومی مردم جالوس و نوشهر / ۱۳۸۸/۰۷/۱۵

به خدای متعال باید توکل کرد، به خدا باید اعتماد کرد، به خدای متعال باید حسن ظن داشت. خدای متعال وعده کرده است: «و لینصرن الله من ینصره»؛ آن کسانی که در راه نصرت دین خدا حرکت میکنند، وقتی حرکت کنند، خدا آنها را نصرت می‌دهد. بله، طرفدار دین خدا باشیم، کاری هم انجام ندهیم، گوشه‌ی خانه بخواهیم، نصرتی وجود ندارد؛ اما وقتی که حرکت میکنیم برای نصرت دین خدا، ممکن است هزینه هم داشته باشد، اما نصرت قطعی است؛ همچنانی که از اول انقلاب تا امروز، در چالشهای گوناگون، ملت ایران پیروز شده است؛ این نصرت الهی است. در جنگ تحمیلی، هشت سال، تقریباً همه‌ی دنیای مطرح آن روز، پشت سر دشمن ما قرار گرفتند و با ما جنگیدند؛ آمریکا به آنها کمک کرد، شوروی به آنها کمک کرد، ناتو به آنها کمک کرد، همسایگان بی‌انصاف به آنها کمک کردند؛ پول دادند، امکانات دادند و همه‌ی این‌ها در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفتند و قصدشان تجزیه‌ی ایران بود، قصدشان جدا کردن خوزستان بود، قصدشان تصرف سرزمین بود، که بتوانند جمهوری اسلامی را به بی‌کفایتی متهم کنند و ساقط کنند؛ اما خدای متعال تو دهن آنها زد و ملت ایران با صبر خود، با ایستادگی خود، با بصیرت خود، به دشمنان آنچنان ضربه‌ای وارد کرد که عقب‌نشینی کردند. این امکان همیشه در اختیار شماست.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان و خانواده‌های شهدا / ۱۳۸۸/۰۸/۱۲

دین فقط برای آباد کردن آخرت نیست، دین دنیای شما را هم آباد می‌کند. دین به شما شور و نشاط و طراوت و تازگی می‌بخشد. دین به شما این روحیه را می‌دهد که در مقابل چشمندان همه‌ی این قدرتهای مادی کوچک بشوند، خفیه بشوند، تهدید آنها اثر نکند، کار آنها اثر نکند. بداند پیروزی با شماست، نصرت الهی با شماست. همین ابرقدرت‌های تهدیدکننده- حالا دنیاهای داخلی‌شان که جای خود دارند- و مراکز قدرت استکباری و تهدیدها، چاره‌ای جز عقب‌نشینی در مقابل یک ملت مقتدر و بالپمان ندارند. به خدای متعال اعتماد داشته باشید، حسن ظن داشته باشید. اینی که خدا با تاکید می‌فرماید: «و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز»؛ بی‌شک، بدون تردید خدای متعال آن کسانی را که دین او را و اهداف او را یاری کنند، یاری خواهد کرد، این سخن راستی است، این وعده‌ی صادقی است. به این اعتماد کنید. با اقتدار، با عزم کافی، با تهذیب نفس، با خودسازی- هم خودسازی علمی و هم خودسازی اخلاقی- پیش بروید. ان شا الله روزی را خواهد دید که کشورتان به برکت مجاهدتهای شما در اوج افتخار و در قله‌ی اقتدار باشد.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه‌ی همایش غره / ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

ما آنچه که در قضیه‌ی فلسطین از پیشرفت مشاهده می‌کنیم- که این پیشرفت قابل انکار نیست- اقتدار روزافزون جبهه‌ی مقاومت در مقابل جبهه‌ی استکبار و کفر است که امر مشهود و واضحی است. آنچه در این زمینه ملاحظه می‌شود، ناشی از ایمان به خدا و توکل به خدا و وارد کردن عنصر معنویت در مبارزه است. اگر یک مبارزه با عنصر ایمان همراه نباشد، آسیب‌پذیر می‌شود. آن وقتی مبارزه موفق خواهد شد که در او ایمان به خدا و توکل به خدا وجود داشته باشد. روحیه‌ی دین را و ایمان حقیقی به وعده‌ی الهی و توکل به خدای متعال را باید در مردم تقویت کنید؛ حسن ظن به خدای متعال و به وعده‌ی الهی را باید در مردم تقویت کنید. خود ما هم بایستی به خدای متعال حسن ظن داشته باشیم. خدای متعال اصدق القائلین است؛ او به ما می‌گوید: «لینصرن الله من ینصره»؛ او به ما می‌فرماید که: «من کان لله کان الله له»؛ او می‌گوید که: از دشمن نهراسید، «ان کید الشیطان کان ضعیفا». او به ما این را تلقین می‌کند؛ بیان می‌کند. خداوند متعال صادق است. ما اگر به وظیفه‌ی خودمان در این راه عمل نکنیم، برای خدا حرکت نکنیم، برای خدا مبارزه نکنیم، هدف را رضای خدا قرار بدهیم، بدون شک پیروزی نصیب خواهد شد.

خطبه‌های نمازجمعه در بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۹/۰۲/۱۴

امام آن وقتی که تنها بود، مبتلاک به ترس نشد، مبتلاک به یاس نشد؛ آن وقتی هم که همه‌ی ملت ایران یک‌صدا نام او را فریاد زدند، بلکه ملت‌های دیگر هم به او عشق ورزیدند و این را ابراز کردند، دچار غرور نشد. آن وقتی که خرمشهر به وسیله‌ی متجاوزین عراقی از دست رفت، امام مایوس نشد؛ آن وقتی هم که خرمشهر را رزمندگان ما با دلاوری و فداکاری خود گرفتند، امام مغرور نشد؛ فرمود «خرمشهر را خدا آزاد کرد»؛ یعنی ما هیچ‌کاره‌ایم. در همه‌ی حوادث گوناگون دوران زعامت آن بزرگوار، امام همین‌جور بود. آن وقتی که تنها بود، وحشت نکرد؛ آن وقتی که غلبه و قدرت با او بود، مغرور نشد؛ غفلت هم نکرد. این اعتماد به خداست. وقتی رضای خدا بود، قضیه این است.

به وعده‌ی الهی باید اعتماد کرد. خدای متعال در سوره‌ی «انا فتحنا» می‌فرماید: «و یعذب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الطائین بالله ظن السوء»؛ خصوصیت منافق و مشرک از جمله این است که به خدا سوظن دارند، وعده‌ی الهی را قبول ندارند، باور ندارند. اینکه خدا می‌گوید: «و لینصرن الله من ینصره»، این را آدم مومن با همه‌ی وجود قبول دارد؛ منافق این را قبول ندارد. خداوند می‌فرماید: «علیهم دائره السوء و غضب الله علیهم و لعنهم و اعد لهم جهنم و سات مصیرا». کسانی که به خدا سوظن دارند، وضعیتشان این‌جور است.

امام به وعده‌ی الهی اطمینان داشت. ما برای خدا مجاهدت می‌کنیم، قدم برای خدا برمی‌داریم، همه‌ی تلاش خودمان را به میدان می‌آوریم؛ نتیجه را خدای متعال- آنچنان که وعده فرموده است- تحقق خواهد داد. ما برای تکلیف کار می‌کنیم؛ اما خدای متعال بر همین عمل برای تکلیف، بهترین نتیجه را به ما خواهد داد. این یکی از خصوصیات مشی امام و خط امام است. راه انقلاب، صراط مستقیم انقلاب این است.

بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه / ۱۳۸۹/۰۲/۰۷

توجه به خدای متعال، توسل به پروردگار عالم، تذکر ثواب الهی و اجر الهی برای مخلصان، اعتماد به خدای متعال، نداشتن سوظن به خدای متعال، به همه‌ی دست‌اندرکاران کمک خواهد کرد که بتوانند ان شا الله این کار بزرگ را انجام دهند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۹/۰۵/۲۷

توجه به قدرت الهی و صدق وعده‌ی الهی؛ که این اساس همه‌ی کارهاست که مطمئن باشیم به وعده‌ی الهی. خدای متعال کسانی را که سوظن به وعده‌ی او دارند، سوظن به او دارند، لعنت فرموده است؛ «و یعذب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الظانین بالله ظن السوء علیهم دائره السوء و غضب الله علیهم و لعنهم و اعد لهم جهنم و ساءت مصیرا»؛ یعنی خدای متعال کسانی را که سوظن به وعده‌ی الهی دارند، مذمت میکند. خدای متعال فرموده است که «لینصرن الله من ینصره»؛ «اوفوا بعهدی اوف بعهدکم». در راه خدا حرکت کنید، خدای متعال کمک میکند. حالا این فقط هم وعده‌ی الهی نیست. ما اگر آدمهای دیرباوری هم باشیم، آدمهای کورباطنی هم باشیم که نتوانیم درست وعده‌ی الهی را قبول کنیم، تجربه‌ی ما به ما این را نشان میدهد. کدام از عناصر اصلی انقلاب و دوستان انقلاب و طرفداران انقلاب و دشمنان انقلاب، چهل سال قبل از این، احتمال میدادند که یک چنین اتفاقی در کشور بیفتد؟ یک حادثه‌ی به این عظمت، یک بنای به این رفعت به وجود بیاید؟ کی احتمال میداد؟ اما شد؛ به خاطر توکل به خدای متعال، به خاطر عزم راسخ، به خاطر نهراسیدن از مرگ، نهراسیدن از شکست، پیش رفتن به نام خدا و توکل به خدا اتفاق افتاد. بعد از این هم همین خواهد شد.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۸۹/۱۲/۰۱

یک عده‌ی دیگر هستند که نه، قدرت دشمن را با قدرت خدای متعال مقایسه میکنند، عظمت دشمن را در مقابل عظمت پروردگار قرار میدهند؛ آن وقت می‌بینند که اینها حقیر محضند، اینها چیزی نیستند. وعده‌ی الهی را هم راست می‌شمرند، حسن ظن به وعده‌ی الهی دارند؛ این مهم است. خدای متعال به ما وعده کرده است: «و لینصرن الله من ینصره ان الله لقی عزیز»؛ این وعده‌ی قطعی است، وعده‌ی موکد است. اگر چنانچه ما به وعده‌ی الهی حسن‌ظن داشته باشیم، یک جور عمل میکنیم، اگر به وعده‌ی الهی سوظن داشته باشیم، جور دیگری عمل میکنیم. خدای متعال افرادی را که سوظن دارند، مشخص کرده است: «و یعذب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الظانین بالله ظن السوء علیهم دائره السوء و غضب الله علیهم و لعنهم و اعد لهم جهنم و ساءت مصیرا»؛ این «الظانین بالله ظن السوء» امروز هم هستند. چند آیه بعد میگوید: «بل ظننتم ان لن ینقلب الرسول و المومنون الی اهلینهم ابدا و زین ذلک فی قلوبکم و ظننتم ظن السوء و کنتم قوما بورا». سوظن به خدا موجب میشود که انسان بنشیند و از حرکت و از کار و تلاش باز بماند. اگر حسن‌ظن به خدا داشتیم، آن وقت میتوانیم پیش برویم.

بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۰/۰۲/۱۲

مظهر معنویت در امام بزرگوار، در درجه‌ی اول، اخلاص خود او بود. امام کار را برای خدا انجام داد. از اول، هرچه که احساس میکرد تکلیف الهی اوست، آن را انجام میداد. از فداکاری در این راه، امام ابا نکرد. از شروع مبارزات در سال ۱۳۴۱، امام اینجور عمل کرد؛ با تکلیف پیش رفت. به مردم و مسئولین هم این درس را بارها گفت و تکرار کرد که آنچه مهم است، تکلیف است. ما تکلیف را انجام میدهم، ترتب نتیجه بر کار ما دست خداست. بنابراین مظهر مهم معنویت در رفتار امام، اخلاص او بود. برای خاطر تعریف و تمجید این و آن، حرفی نزد، کاری نکرد، اقدامی نکرد. آنچه که برای خدا انجام داد، به وسیله‌ی خدای متعال به آن برکت داده شد؛ ماندگار شد. خاصیت اخلاص این است. امام همین توصیه را به مسئولین هم تکرار میکردند. امام ماها را امر میکردند به این که اهل توکل باشیم، اهل اعتماد به خدا باشیم، اهل حسن‌ظن به پروردگار باشیم، برای خدا کار کنیم. خود او اهل توکل بود، اهل تضرع بود، اهل توسل بود، اهل استمداد از خدا بود، اهل عبادت بود. بعد از پایان ماه رمضان، انسان وقتی امام را میدید، به طور محسوس در او احساس نورانیت میکرد. از فرصتهای زندگی برای تقرب به خدای متعال، برای پاکیزه‌کردن دل و جان مظهر خودش استفاده میکرد. دیگران را هم امر میکرد و میگفت: ما در محضر خدا هستیم، عالم، محضر خداست، محل حضور جلوه‌های الهی است. همه را به این راه سوق میداد. خود او اهل رعایت اخلاق بود، دیگران را هم به اخلاق سوق میداد. بخش مهمی از معنویت در اسلام عبارت است از اخلاق، دوری از گناه، دوری از تهمت، دوری از سوظن، دوری از غیبت، دوری از بددلی، دوری از جداسازی دلها از یکدیگر. خود امام بزرگوار این چیزها را رعایت میکرد، به مردم هم سفارش میکرد، به مسئولین هم سفارش میکرد. امام ماها را توصیه میکردند به این که مغرور نشویم، خودمان را بالاتر از مردم ندانیم، بی‌عیب ندانیم. همه‌ی مسئولین طراز اول کشور این را از امام شنیده بودند که بایستی آماده باشیم؛ اگر چنانچه از ما عیب گرفتند، نگوئیم ما بالاتر از اینیم که عیب داشته باشیم، بالاتر از اینیم که به ما انتقادی وارد باشد. خود امام هم همین جور بود. ایشان، هم در نوشته‌های خود - بخصوص در اواخر عمر شریفش - هم در اظهارات خود، بارها گفت من در فلان قضیه اشتباه کردم. اقرار کرد به این که در فلان قضیه خطا کرده‌ام؛ این خیلی عظمت لازم دارد. روح یک انسانی باید بزرگ باشد که بتواند یک چنین حرکتی را انجام دهد؛ خودش را منسوب کند به اشتباه و خطا. این معنویت امام بود، این اخلاق امام بود؛ این یکی از ابعاد مهم درس امام به ماست.

بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۰/۰۲/۱۲

وقتی مردم بیدار شدند، وقتی یک ملت احساس قوت و قدرت و توانائی کرد، هیچ چیزی نمیتواند راه او را سد کند. البته دشمنان ملت‌های مسلمان - یعنی نظام سلطه، آمریکای شیطان بزرگ، صهیونیست‌های غدار و حیوان‌صفت - مشغول فعالیتند و دارند تلاش میکنند؛ میخواهند نگذارند این پیروزی‌ها به کام مردم شیرین بیاید و به معنای واقعی کلمه به پیروزی نهائی برسد؛ اما اگر ما ملت‌های مسلمان بیدار باشیم، به ندای قرآن - که ما را به صبر و استقامت و ثبات امر میکند، به ما امید میدهد - گوش کنیم، به خدای متعال سو ظن نداشته باشیم، به وعده‌ی الهی امیدوار باشیم و برای آن تلاش و کار کنیم، بدون شک این ملت‌ها به پیروزی میرسند.

بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی / ۱۳۹۰/۰۶/۲۶

در آخرین بخش سخنانم، توصیه‌هایی را بر اساس تجربه‌ی عینی خودمان در ایران و آنچه از مطالعه‌ی دقیق دیگر کشورها به دست آمده است، در معرض دید و تشخیص و انتخاب شما میگذارم. شک نیست که شرائط ملت‌ها و کشورها در همه چیز یکسان نیست، ولی بیناتی وجود دارد که میتواند برای همه مفید باشد. اولین سخن آن است که با توکل به خداوند و اعتماد و حسن ظن به «وعده‌های موکد نصرت الهی در قرآن» (۱) و به کارگیری خرد و عزم و شجاعت، میتوان بر همه‌ی این موانع فائق آمد و پیروزمندان از آنها عبور کرد. البته کاری که شما بدان همت گماشته‌اید، بسی بزرگ و سرنوشت‌ساز است. پس باید زحمات بزرگ را هم به خاطر آن تحمل کرد. امیرالمومنین علی (علیه السلام) در خطبه‌ای فرموده است: «فان الله لم یقصم جباری دهر قط الا بعد تمهیل و رخا و لم یجبر عظم احد من الامم الا بعد ازل و بلا و فی دون ما استقبلتم من عتب و ما استدرتم من خطب معتبر» (۲)

بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۳

پایه اصلی کار بسیجی، اخلاص است. «گمنام»، از جمله‌ی تعبیرات امام است: «مکتب شاهدان و شهیدان گمنام». گمنام یعنی دنبال نام و نشان نبودن. گفت: «در کیش ما تجرد عنفا تمام نیست/در قید نام ماند اگر از نشان گذشت». برای خدا کار کردند، که این ناشی است از روحیه‌ی اعتماد به خدا؛ میدانیم که پیش خدای متعال ضایع نمیشود. شما در خلوت عبادت میکنید، با خدا حرف میزنید، کسی هم نمیفهمد؛ خاطرات هم جمع است که خدا دارد می‌بیند، این عبادت را

محسوب میکند؛ کرام‌الکاتبین الهی نمی‌گذارند این عبادت شما مثل عملی که انجام نشده، بماند؛ نه، تحقق پیدا کرده، این را یادداشت میکنند؛ آن وقت «فمن يعمل مثقال ذره خیرا بره»؛ همین را می‌بینید. عین همین در فعالیت‌های اجتماعی است. شما یک حرکتی را انجام می‌دهید برای خدا، یک اقدامی را می‌کنید برای خدا، یک تصمیمی را می‌گیرید برای خدا، هیچ کس هم نمی‌فهمد؛ برای این تصمیم، پیش هیچ کس هم تفاخر نمی‌کنید؛ این را خدای متعال می‌فهمد، میداند، مینویسد. به خدای متعال اعتماد دارید، به خدای متعال حسن ظن دارید. حالا گیرم دیگران نفهمیدند، مگر دیگران چقدر به ما مزد میدهند؟ در مقابل مزد الهی، این مزدهای دنیوی مگر چقدر است؟ بسیجی اینجوری فکر میکند؛ لذاست که اخلاص به خرج میدهد، مخلصا لله کار را انجام میدهد. اخلاص، یکی از خصوصیات است. اگر اخلاص شد، آن وقت خودپرستی‌ها و خودمجوی‌ها و اینها برکنار خواهد شد؛ ثروت‌اندوزی برای خود، دست دراز کردن به اینجا، به آنجا، دیگر ممنوع خواهد شد. اینها همه‌اش ناشی از شرک است؛ شرک پنهان. وقتی که اخلاص بود، شرک نبود، اینها دیگر از بین خواهد رفت. روحیه بسیجی این است. در مدیریت‌های کشور، در نظام عمومی کشور و سازماندهی عمومی کشور، در فعالیت‌های گوناگون، در فعالیت‌های مرسوم دولتی، در فعالیت‌های شخصی، همه جا روحیه بسیجی میتواند خودش را نشان بدهد.

بیانات در دیدار سفرا و روسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور / ۱۳۹۰/۱۰/۰۷

به خدای متعال باید حسن‌ظن داشته باشیم. خداوند متعال ملامت میکند آن کسانی را که به او حسن‌ظن ندارند؛ سوظن به خدا دارند. سوظن به خدا چیست؟ سوظن به خدا این است که انسان خیال کند این که فرموده است: «و لینصرن الله من ینصره»، خلاف واقع است؛ یا این که فرموده است: «الذین جاهدوا فینا لنهینهم سبیلنا»، وعده‌ی تخلف‌پذیری است. آن وقت خدای متعال در سوره‌ی فتح میفرماید: «و یعذب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الظانین بالله ظن السوء»؛ خصوصیت مشرکین و مشرکات و منافقین و منافقات این است که به خدا سوظن دارند. بعد میفرماید: «علیهم دائرة السوء و غضب الله علیهم و لعنهم و اعد لهم جهنم و ساءت مصیرا». نباید به خدا سوظن داشت. خدای متعال گفته است: اگر برای من، برای پیشبرد دین من، برای احیای ارزش‌های مورد قبول من حرکت کنید، اقدام کنید، من به شما کمک می‌کنم. این راست است، این وعده‌ی الهی است. فرموده است: «ان الله یدافع عن الذین امنوا»؛ هر کسی که مومن به خداست، خدا از او دفاع میکند. خب، خیلی از مومنین در دنیا هستند، خدا از آنها دفاع نکرده - مومنینی که زیر لگد مستکبرین دارند له میشوند - چرا؟ این به خاطر این است که به سنت‌های دیگر الهی عمل نشده است؛ به خاطر این است که حرکت نشده، قیام نشده، اقدام نشده. بنابراین مجاهدت لازم است، تلاش لازم است. یک ملتی اگر مومن به خدا بود، اما تلاش نکرد، مجاهدت نکرد، البته لگدمال میشود؛ آن «یدافع عن الذین امنوا» دیگر اینجا را نمی‌گیرد. این ایمان باید با مجاهدت همراه باشد، آن وقت خدای متعال آن وعده را عملی خواهد کرد. معنای «و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله» این است که باید حرکت کرد، باید اقدام کرد، باید تصمیم گرفت. این همان مبارزه‌ی مقدسی است که یک مومن عمر خود را وقف آن میکند.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» / ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

امروز - این یک مثال پیش‌باقتاده و جلوی چشم است - تمام دستگاه‌های رسانه‌ای دنیا سعی‌شان بر این است که مردم بحرین و حرکت بحرین را در انزوا قرار بدهند. داعی بر این کار چیست؟ چون مسئله، مسئله‌ی شیعه و سنی است. میخواهند اختلاف ایجاد کنند، میخواهند تمایز و خط‌کشی به وجود بیاورند. بین آن مسلمانان و مومنینی که به این مذهب یا آن مذهب اسلامی گرایش دارند، تفاوتی وجود ندارد. وجه مشترک همه، اسلام است. وجه مشترک همه، امت اسلامی است؛ وحدت امت اسلامی است. رمز پیروزی و تداوم حرکت، توکل به خدا، حسن‌ظن به خدا، اعتماد به خدای متعال و حفظ وحدت و پیوستگی است. عزیزان من! فرزندان من! مواظب باشید دشمن حرکت شما را متوقف نکند. خدای متعال در دو جای قرآن به پیغمبرش میفرماید: «فاستقم كما امرت»، «و استقم كما امرت»؛ استقامت کن. استقامت یعنی ایستادگی کردن، ادامه دادن، راه را دنبال کردن، متوقف نشدن؛ این رمز کار است.

دیدار دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین با رهبر انقلاب / ۱۳۹۰/۱۱/۱۱

اگر امت اسلامی در کشورهای مختلف، متعهد به مجاهدت، ایستادگی و حسن ظن به پروردگار باشند، قطعا وعده نصرت الهی محقق خواهد شد. همانگونه که در یک سال گذشته شاهد آن بودیم.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرا کشورهای اسلامی / ۱۳۹۱/۰۲/۲۹

ملت‌ها باید روی پای خودشان بایستند. ملت‌ها باید از نعمت خداداد اندیشه و خرد و تفکر انسانی استفاده کنند. ملت‌ها باید به خودشان اعتماد پیدا کنند؛ به نیروی خودشان، به خدای خودشان اعتماد پیدا کنند؛ حسن ظن به خدا نشان بدهند. خدای متعال وعده کرده است: «لینصرن الله من ینصره ان الله لبقوی عزیز»؛ این تاکید الهی است. وقتی ملت‌ها بایستند، مقاومت کنند، ایستادگی کنند، قطعا پیروزند؛ نمونه‌ی زنده‌اش ملت ماست. دشمن با هزاران وسیله و ابزار تبلیغاتی سعی میکند واقعیت‌ها را از چشم مردم دنیا دور کند، اما واقعیت همین است که ما داریم مشاهده می‌کنیم. در این سی و سه سال، از روز اول به طور دائم انقلاب و ملت و کشور عزیز ما مورد تهاجم بوده است، مورد توطئه بوده است. سیاست‌های مختلف سر کار آمده‌اند؛ در صد مسئله با هم اختلاف داشتند، اما در مواجهه‌ی با انقلاب اسلامی، در ضربه زدن به جمهوری اسلامی، از صحنه خارج کردن این الگوی زنده در مقابل مسلمانان، با شیوه‌های مختلف، همه‌ی آنها با هم شریک بودند! امروز هم همین جور است؛ دست به یکی کرده‌اند، بلکه بتوانند ملت ایران را از صحنه خارج کنند. من به شما عرض بکنم؛ قطعا و یقینا در این تلاش‌ها به طور کامل ناکام خواهند ماند.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

با اعتمادی که ما به وعده‌ی الهی داریم - و وعده‌ی الهی حق است و صدق است - بدون تردید خدای متعال این ملت را، هم در این مرحله، هم در همه‌ی مراحل آینده، بر دشمنانش پیروز خواهد کرد. خدا را شکر می‌کنیم که ما را دچار سوظن به خودش نکرد؛ «الظانین بالله ظن السوء»؛ ما را از اینها قرار نداد. ما به وعده‌ی الهی حسن ظن داریم، به وعده‌ی الهی اعتماد داریم. از طرفی می‌بینیم که خدای متعال وعده‌ی نصرت داده است، از طرفی هم انسان این مردم را مشاهده میکند؛ حضورشان، علاقه‌شان، همتشان، اخلاص این جوانها، پاک‌ی این جوانها، پدر و مادرهای مومن و علاقه‌مند در سطح کشور، در همه‌ی قشرها، با همه‌ی شکل‌ها و طواهر، انسان مشاهده میکند که این ملت، ملتی است که بحمدالله در صحنه است.

بیانات در دانشگاه امام حسین علیه‌السلام / ۱۳۹۲/۰۲/۰۶

این انقلاب مثل خیلی از حرف‌های دیگری که در دنیا معمول است، صرف ادعا نیست؛ یک دامنه‌ی وسیعی از تجربه و عمل در مقابل آن است. این انقلاب آزموده است، تجربه‌شده است. این حرف‌ها، حرف‌هایی است که در میدان عمل، صدق خود را ثابت کرده است. اگر امام عزیز ما به ما یاد میداد که به خدا توکل کنیم، اعتماد کنیم، حسن ظن داشته باشیم، تلاش کنیم، و میگفت اگر این کار را بکنید، پیروز خواهید شد، این اتفاق افتاد؛ همچنان که در صدر اسلام اتفاق افتاد؛ که امیرالمومنین (علیه‌الصلاه و السلام) در نهج‌البلاغه فرمود: «فلما رای الله صدقنا انزل بعدونا الکیت و انزل علینا النصر». این ملت صدق خود را نشان داد، راستگوئی خود را نشان داد؛ وارد میدان شد و در میدان عمل، این فکر و این اندیشه و این میانی نظری تجربه شد.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۹۲/۰۲/۲۲

در این راه عظمت و عزتی که ملت ایران در پیش دارد، توجه به خدا و توکل به خدا و ارتباط با خدا، یک نقش بزرگ و اساسی دارد. عده‌ای غافلند، همه‌اش روی محاسبات مادی محض محاسبه میکنند؛ در محاسباتشان معنویت و کمک الهی و توکل به خدا و حسن ظن به وعده‌ی الهی کانه هیچ راهی ندارد. خب این محاسبات مادی را مستکبرین عالم هم دارند میکنند، بهتر از شما هم میکنند، چرا روزه‌روز عقب میروند؟ چرا دچار این همه مشکلات میشوند؟ چرا مجبور میشوند ظلم کنند؟ چرا مجبور میشوند لشگرکشی کنند - به افغانستان، به عراق، به پاکستان - انسانهای بی‌گناه را بکشند؟ و انما یحتاج الی الظلم ضعیف؛ آن کسی که ضعیف است احتیاج دارد به این‌که ظلم بکند؛ ضعیفند که ظلم میکنند؛ چون دستشان با سلاح آشنا است، این سلاح را بی‌محابا به کار میبرند، ظالمانه، متجاوزانه، خودسرانه؛ خب این خودش عقب‌رفت است، هم عقب‌رفت در معیارهای معنوی، هم عقب‌رفت در محاسبات مادی، روزه‌روز تمدن غرب دارد مشکلات بیشتری در اطراف خود میتند، و این مشکلات اینها را از پا خواهد انداخت؛ این به‌خاطر قطع ارتباط با مبداء هستی است؛ این به‌خاطر قطع ارتباط با معدن نور و عظمت است؛ فصل الی معدن العظمه، و تصیر ارواحنا معلقه بعر قدسک؛ اینها لازم است. امروز برای ملت ایران این زمینه آماده است.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۹۳/۰۳/۲۲

در مقابل دشمن بین‌المللی، با اراده‌ی قوی، با احساس عزت، با اعتماد به این ملت - به این ملت باید اعتماد کرد، ملت ما ملت شجاع و رشیدی است - و با توکل به خدای بزرگ و با حسن ظن به وعده‌ی الهی، بایستی راه را انتخاب کرد، با نگاه صحیح، عاقلانه، مدبرانه پیش رفت، آن وقت خدای متعال هم به این‌چنین کاری برکت خواهد داد و توفیقات الهی شامل حال همه خواهد شد.

بیانات در یادمان شهدای شرق کارون / ۱۳۹۳/۰۱/۰۶

دشمنان میخواستند کاری کنند که جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک مجموعه‌ی ضعیف و ناتوان معرفی کنند. خدای متعال دست قدرت خود را نشان داد و دهان دشمنان جمهوری اسلامی و دشمنان پرچم برافراشته‌ی اسلام را با مشت پولادین سنت الهی خرد کرد و بینی آنها را به خاک مالید و نشان داد که نظام اسلامی، چون متکی به ایمانهای مردم و به عواطف مردم است، در مقابل همه‌ی قدرتهای مادی جهان، هم میتواند از خود دفاع کند، هم میتواند طرف مقابل را وادار به اعتراف به عجز کند. به عجز خودشان اعتراف کردند؛ قبول کردند که در مقابل مشت قاطع گروندگان به اسلام و مومنان به وعده‌های الهی، نمیتواند ایستادگی کند؛ تبلیغاتشان خنثی شد. سعی میکردند به ما مردم ایران - ما مومنین به آیات کریمه‌ی الهی - بیاوراند که شما نمیتوانید در مقابل قدرتهای مادی دنیا بایستید؛ میخواستند این را به ما بیاورند. و به شما برادران عزیز و به همه‌ی ملت ایران عرض کنم: شکست یک ملت آنوقتی اتفاق می‌افتد که معتقد بشود که نمیتواند کاری انجام بدهد؛ این اول شکست هر ملتی است. آنها خواستند این احساس را در دوران جنگ تحمیلی در دل ایرانیان به‌وجود بیاورند، اما قضیه به‌عکس شد. جنگ تحمیلی - یعنی دفاع مقدس ملت ایران - نشان داد که یک ملت در سایه‌ی اتحاد، در سایه‌ی ایمان به خدا، در سایه‌ی حسن‌ظن به خدای متعال و اعتقاد به صدق وعده‌ی الهی، میتواند از همه‌ی گذرگاه‌های دشوار عبور کند و میتواند در مقابل دشمنان بایستد و میتواند دشمن را وادار به هزیمت و عقب‌نشینی کند؛ جنگ تحمیلی این را به همه‌ی ما نشان داد.

بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۳/۰۶/۱۲

نیروهای مومن ما در سرتاسر کشور بدانند که حرکت، به‌سمت اهداف و آرمانهای اسلامی است؛ در این هیچ تردیدی نیست. و همه خودشان را آماده نگه بدارند، همه آماده باشند؛ نیروهای مومن، نیروهای اصیل و معتقد در سرتاسر کشور - که بحمدالله اکثریت قاطع این کشور را هم تشکیل میدهند - آماده‌به‌کار باشند. آماده‌به‌کار به معنای آماده‌ی جنگ نیست؛ یعنی هم آماده‌ی کار اقتصادی باشند، هم آماده‌ی کار فرهنگی باشند، هم آماده‌ی کار سیاسی باشند، هم آماده‌ی حضور در میدانها و عرصه‌های مختلف باشند؛ آماده باشند، ما همه باید آماده باشیم. در مقابل این جهت‌گیری‌های دشمنان - که دشمنان ما شب و روز نمی‌شناسند - ما هم بایستی شب و روز شناسیم و همه آماده باشیم. و وعده‌ی الهی هم راست است؛ خدای متعال وعده‌اش راست است، ما سوظن به وعده‌ی الهی [نباید داشته باشیم]. یک‌بار من اینجا عرض کردم که باید به خدا پناه ببریم و سوظن به وعده‌ی الهی [نداشته باشیم]. خدای متعال لعنت کرده؛ الطائین بالله ظن السو علیهم ذآثره السو و غضب الله علیهم و لعنهم و اعد لهم جهنم و سات مصیرا (۱) یعنی خدا لعنت کرده کسانی را که به خدا سوظن داشته باشند. حسن ظن به خدا این است که وقتی میگوید که «ان تنصروا الله ینصرکم»، (۲) این را باور کن؛ این حسن ظن به خدا است؛ وقتی میفرماید: لینصرن الله من ینصره، (۳) این را باور کنیم. اگر حقیقتا نیت ما نصرت دین الهی است - معنای نصرت خدا همین است - بدانیم که خدای متعال نصرت خواهد کرد و تردیدی در این زمینه نداشته باشیم؛ وقتی انسان با این روحیه حرکت کرد، آنوقت آن سکینه‌ای که عرض کردیم بر دلهای ما انشالله نازل خواهد شد.

بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۳/۰۶/۱۲

خدای متعال وعده‌اش راست است، ما سوظن به وعده‌ی الهی [نباید داشته باشیم]. یک‌بار من اینجا عرض کردم که باید به خدا پناه ببریم و سوظن به وعده‌ی الهی [نداشته باشیم]. خدای متعال لعنت کرده؛ الطائین بالله ظن السو علیهم ذآثره السو و غضب الله علیهم و لعنهم و اعد لهم جهنم و سات مصیرا یعنی خدا لعنت کرده کسانی را که به خدا سوظن داشته باشند. حسن ظن به خدا سوظن داشته باشند. حسن ظن به خدا این است که وقتی میگوید که «ان تنصروا الله ینصرکم»، این را باور کن؛ این حسن ظن به خدا است؛ وقتی میفرماید: لینصرن الله من ینصره، این را باور کنیم. اگر حقیقتا نیت ما نصرت دین الهی است - معنای نصرت خدا همین است - بدانیم که خدای متعال نصرت خواهد کرد و تردیدی در این زمینه نداشته باشیم؛ وقتی انسان با این روحیه حرکت کرد، آنوقت آن سکینه‌ای که عرض کردیم بر دلهای ما انشالله نازل خواهد شد.

پیام به مناسبت آغاز به کار دهمین دوره مجلس شورای اسلامی / ۱۳۹۵/۰۳/۰۸

نمایندگان محترم را به توکل و حسن ظن به وعده‌های خداوند قادر و استقامت در صراط مستقیم الهی توصیه میکنم و از سرگرم شدن به زائده‌های جناحی و غالب ساختن انگیزه‌های شخصی بر مصالح عمومی برحذر میدارم.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۹۷/۰۹/۰۲

ملت ایران چهل سال است که مقاومت میکند. ما در روز اول مثل یک نهال باریکی بودیم، آسیب‌پذیر بودیم؛ به برکت نام مبارک پیامبر و به برکت هدایت امام بزرگوار، توانستیم ایستادگی کنیم؛ البته شهید دادیم، سختی کشیدیم، اما ایستادگی کردیم. امروز ملت ایران و کشور ایران یک درخت تناور است؛ امروز آمریکا و رژیم صهیونیستی غلط میکنند که ملت ایران را تهدید کنند؛ تهدیدهای آنها، حرکات آنها، خیانتهای آنها تا امروز شکست خورده است، از این پس هم شکست خواهد خورد؛ تحریم هم شکست خواهد خورد، سیاستهایشان هم شکست خواهد خورد؛ به برکت مقاومت.

مقاومت هم جز در سایه‌ی ایمان بالله و اتکا بالله و اعتماد به وعده‌ی الهی ممکن نیست؛ خدای متعال وعده فرموده است، با تاکید فرموده است؛ و لینصرن الله من ینصره (۱) با تاکید، وعده‌ی نصرت داده است؛ این وعده تحقق پیدا خواهد کرد. اگر چنانچه ما خودمان را اصلاح کنیم، به وعده‌ی الهی با چشم حسن‌ظن نگاه کنیم نه با سوظن، پیروز خواهیم شد. سوظن به وعده‌ی الهی مال کفار است؛ الطائین بالله ظن السو علیهم ذآثره السو و غضب الله علیهم و لعنهم؛ (۲) این کسانی که به وعده‌ی الهی سوظن دارند، معلوم است که از وعده‌ی الهی سود نخواهند برد. ملت ایران حسن‌ظن خود به وعده‌ی الهی را اثبات کرده است؛ ایستاده است. به ما حمله‌ی نظامی هم شد، تحریم هم شدیم، نفوذ عوامل جاسوسی هم اتفاق افتاد، شهید هم دادیم، اما ملت ایران مثل کوه ایستاد و توانست خود را مستحکم

و بایدار کند! امروز این شجره‌ی طیبه -شجره‌ی طیبه‌ی جمهوری اسلامی و ملت ایران- شجره‌ی طیبه‌ای است که «اصلها ثابت و فرعها فی السما» (۳) روزبه‌روز به فضل الهی ما پیشرفت کردیم، روزبه‌روز قوی‌تر شدیم؛ بعد از این هم همین خواهد بود؛ و این نسخه‌ی حرکت مسلمین و پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۹۷/۰۹/۰۲

مقاومت هم جز در سایه‌ی ایمان بالله و اتکا بالله و اعتماد به وعده‌ی الهی ممکن نیست؛ خدای متعال وعده فرموده است، با تاکید فرموده است: و لینصرن الله من ینصره؛ با تاکید، وعده‌ی نصرت داده است؛ این وعده تحقق پیدا خواهد کرد. اگر چنانچه ما خودمان را اصلاح کنیم، به وعده‌ی الهی با چشم حسن‌ظن نگاه کنیم نه با سوءظن، پیروز خواهیم شد. سوءظن به وعده‌ی الهی مال کفار است؛ الظانین بالله ظن السوء علیهم دائرة السوء و غضب الله علیهم و لعنهم؛ این کسانی که به وعده‌ی الهی سوءظن دارند، معلوم است که از وعده‌ی الهی سود نخواهند برد. ملت ایران حسن‌ظن خود به وعده‌ی الهی را اثبات کرده است؛ ایستاده است. به ما حمله‌ی نظامی هم شد، تحریم هم شدیم، نفوذ عوامل جاسوسی هم اتفاق افتاد، شهید هم دادیم، اما ملت ایران مثل کوه ایستاد و توانست خود را مستحکم و بایدار کند! امروز این شجره‌ی طیبه -شجره‌ی طیبه‌ی جمهوری اسلامی و ملت ایران- شجره‌ی طیبه‌ای است که «اصلها ثابت و فرعها فی السما». روزبه‌روز به فضل الهی ما پیشرفت کردیم، روزبه‌روز قوی‌تر شدیم؛ بعد از این هم همین خواهد بود؛ و این نسخه‌ی حرکت مسلمین و پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

قضیه‌ی حضرت موسی است وقتی که برگشت و الواح را آورد و دید که آن قضایای گوساله اتفاق افتاده. قال یقوم الم بعدکم ربکم وعدا حسنا؛ خب خدا که به شما وعده داده که زندگی شما را درست خواهد کرد؛ اطفال علیکم العهد، آیا طول کشیده؟ مگر از زمانی که بایستی وعده‌ی الهی انجام بگیرد گذشته که شما این جور بی‌صبری میکنید؟ خب صبر کنید، خدای متعال وعده‌ی خودش را عملی خواهد کرد. حسن ظن به خدای متعال -که من یک بار دیگر در همین جلسه عرض کرده‌ام(۳۴)- یک چیز لازمی است و سوءظن به وعده‌ی الهی که «چرا نشد، چرا نشد؟» جدا مذموم است در آیات؛ اطفال علیکم العهد امر ادرتم ان یحل علیکم غضب من ربکم،(۳۵) من احتمال میدهم «با ایها الذین امنوا لا تكونوا کالذین ادوا موسی فبراه الله مما قالوا»(۳۶) اشاره‌ای به این باشد: «و اذ قال موسی لقومه! یا قوم لم تؤذوننی و قد تعلمون انی رسول الله»(۳۷) احتمالا اشاره‌ای به این است که مرتب فشار می‌آوردند که «آقا، چرا نشد، چرا نشد؟» که البته اینها مال بعد از نجات از دست فرعون است، اما قبل از نجات از دست فرعون هم همین جور بود؛ قالوا اودینا من قبل ان تاتینا و من بعد ما جئتنا،(۳۸) به حضرت موسی اعتراض میکردند که حالا هم که تو آمده‌ای، باز [برای] ما همان اذیتها وجود دارد؛ یعنی ایرادهای بنی‌اسرائیلی که میگویند، واقعا همین جور است؛ باید مواظب باشیم که اینها دامن ما را نگیرد.

